

سیلابها مرا احاطه کرد، و همه موج و خیزابهای مرا درنوردید.
موعظه کریسمس خروج ۲، ۱-۱۰

و اما مردی از خاندان لاوی رفته، یکی از دختران لاوی را به زنی گرفت. 2 آن زن باردار شده پسری بزاد. چون دید کودکی نیکوست، او را سه ماه پنهان داشت. 3 اما چون نتوانست بیش از آن پنهانش کند، سبدی از نی برگرفت و آن را به قیر و زفت اندود؛ سپس کودک را در سبد نهاد و آن را در نیزار کناره رود نیل گذاشت. 4 خواهر آن کودک از دور ایستاد تا ببیند بر سر کودک چه خواهد آمد. 5 باری، دختر فرعون برای شستشو به رود نیل فرود آمد، و ندیمه‌هایش در کناره رود می‌گشتند. او سبد را میان نیزارها دید و کنیزش را فرستاد تا آن را بیاورد. 6 چون سبد را گشود چشمش به کودک افتاد، و اینک پسری گریان بود. دل دختر فرعون بر وی بسوخت و گفت: «این یکی از کودکان عبرانیان است.» 7 آنگاه خواهر کودک از دختر فرعون پرسید: «می‌خواهی بروم و از زنان عبرانی یکی را نزدت آورم تا طفل را برایت شیر دهد؟» 8 دختر فرعون پاسخ داد: «برو.» پس دخترک رفت و مادر کودک را آورد. 9 دختر فرعون به آن زن گفت: «این طفل را ببر و او را برای من شیر بده و من اجرت این کار را به تو خواهم داد.» پس آن زن کودک را با خود برده، به او شیر می‌داد. 10 چون کودک بزرگتر شد، مادرش او را نزد دختر فرعون برد و او پسر وی شد. دختر فرعون کودک را موسی: 10:2 نام نهاد زیرا گفت: «او را از آب برکشیدم.»



اگر بخواهید برای تعطیلات به یونان مسافرت کنید و به اشتباه پرواز آلاسکا را رزرو کنید، شوک بسیار سختی خواهید دید و به جای درختان نخل و سواحل آفتابی، فقط یخ و برف می‌بینید. سپس شوکه خواهید شد و می‌گویید: " صبر کن، اشتباه پیش آمده است!" ---- شاید همه ما با خواندن متن خطبه برای این کریسمس چنین احساسی داشته باشیم. ما به کلیسا آمدیم و می‌خواستیم سرودهای شاد کریسمس را در مورد تولد عیسی بخوانیم. می‌خواستیم کودکی را که در آخور کنار مریم و یوسف بود تحسین کنیم. می‌خواستیم خوشحال باشیم که خدا در میان ماست. و چه کسی را در آنجا پیدا می‌کنیم؟ نه یک بچه شیرین در آخور، بلکه موسی که از نیل کثیف بیرون کشیده شده بود. اعتراض درونی بلند است: «ما می‌خواستیم عیسی را ببینیم! به خصوص در کریسمس! چیزهایی با هم قاطی شده است؟ منتظر فرزند دیگری بودیم. نه موسی، بلکه عیسی کودک!» با این حال، وقتی راز تولد عیسی را در نظر می‌گیریم، نباید و نمی‌توانیم موسی را کنار بگذاریم. زیرا بدون موسی بیت لحم وجود نخواهد داشت. و بدون سینا، جلجتا وجود ندارد. زیرا اگر خداوند ۱۰ فرمان را از طریق موسی در کوه سینا نمی‌فرمود، ما نمی‌دانستیم که چرا لازم بود عیسی به دنیا بیاید و برای گناهان بشریت در کوه جلجتا بمیرد. اگر می‌خواهیم راز تولد عیسی را درک کنیم، باید دقیقتر به عهد عتیق نگاه کنیم. و در آنجا، بارها و بارها اشاره‌هایی به نقشه نجات خدا، به عیسی و به آخور می‌بینیم. هنگامی که مادر موسی فرزند خود را در سبد نهاد و آن را در نیزار رود نیل گذاشت آن کار را، با اعتماد به خدای اسرائیل انجام داد، که او را به عنوان یک نجات دهنده می‌شناخت. در این ایمان، نوح و خانواده اش وارد کشتی قیر و زفت اندود شدند. اما با فرزند موسی، داستان یک چرخش غیرمنتظره داشت. زیرا نجات از جایی غیرمنتظره حاصل شد: دختر فرعون، که پدرش فرمان داده بود کودکان عبرانیان باید کشته شوند، کودک را کشف کرد. دختر فرعون با فریاد زدن اینکه: «این یکی از این عبرانیان است» حکم اعدام خود را اعلام کرد. زیرا طبق دستور فرعون قرار بود همه این کودکان کشته شوند. و همه چیز طور دیگری رقم خورد. بچه نجات پیدا کرد! همانطور که نوح توسط کشتی نجات یافت، موسی نیز از طریق جعبه‌ی خود نجات یافت. و در هر دو صورت با حروف بسیار درشت نوشته شده است: «خدا در اینجا در فعل است» و خداوند از طریق نقشه خود رستگاری را ایجاد می‌کند، که نه تنها مبهم، بلکه از نظر انسانی غیرممکن به نظر می‌رسد. و با این حال خدا اراده خود را برای نجات به انجام رساند. خدا این کار را نه با قدرت یا مدرک انجام می‌داد تا ذهن بتواند بفهمد خدا در کجا در فعل است، بلکه به طور نامحسوس. از طریق یک سبد با موسی و از طریق یک آخور با عیسی. این یک راز است. ذهن انسان نه می‌داند که به نجات نیاز دارد نه قبول می‌کند که قرار است توسط کودکی در آخور نجات یابد. برای ذهن انسانی در پشت هر دو تولد موسی و عیسی، قدرت های انسانی قابل مشاهده است که جهان را در آن زمان نظم می‌داد. از یک طرف فرعون که مرگ کودک را دستور داده بود. و از طرف دیگر هیرودیس که دنبال عیسی کودک بود تا او را بکشد. فرعون و هیرودیس هر دو با قدرت آشنا بودند. آنها می‌توانستند به قدرت خود تکیه کنند! آنها می‌دانستند که این کار موثر است. هر جا که مشکلی پیش می‌آمد، دستور پادشاهی می‌توانست مشکل را پاک کند. با این حال، فرعون و هیرودیس هر دو با وجود قدرت خود شان شکست خوردند. شکست این دو خانواده سلطنتی، اساساً قدرت انسان را زیر سوال می‌برد. در حال حاضر سیاست نیز از طریق قدرت در فعل است. و دیکتاتورها قاطعانه متقاعد شده اند که می‌توانند همه مشکلات را از طریق قدرت و پول حل کنند؟ اما ما باید حتی عمیق تر نگاه کنیم. آیا ما خیلی عادت نکرده ایم به چیزهایی که در این دنیا به ما قدرت می‌دهند تکیه کنیم؟ بسیاری از شما والدین جوان هستید. در صورت امکان شما بهترین زندگی را برای فرزندتان می‌خواهید. از هیچ پول و تلاشی دریغ نمی‌کنید تا کودک سالم باشد و زیربنای خوبی برای زندگی داشته باشد. اما آیا همه این کار کافی است؟ آیا به این وسیله همه مشکلات کودک را از بین برده ایم؟ آیا ما حتی می‌توانیم این کار را انجام دهیم؟ بله، آیا ما مانند هیرودیس و فرعون در پایان قدرت خود نیستیم؟ و در مواجهه با مشکلات بزرگی قرار

نداریم که نه برای خود و نه برای فرزندانمان قادر به حل آن هستیم. در نهایت باید بدانیم که قدرت و آزادی بی مرز نداریم. برعکس: ما آسیب پذیریم و درمانده هستیم!

هم موسی کودک و هم عیسی کودک این آسیب پذیری را به وضوح به ما نشان می دهند. زیرا هم موسی در جعبه اش و هم عیسی در آخورش محکوم به مرگ در آنجا بودند. به همین دلیل، ستاره شناسان، مر (عطری که هنگام خاکسپاری استفاده می شد) را به عنوان هدیه برای کودک آوردند، مر اشاره ای به مرگ عیسی بود. خدا می خواهد توجه ما را به این واقعیت جلب کند که ما... در خطر مرگ هستیم و بنابراین نیاز به نجات داریم. مهمتر از همه، او می خواهد توجه ما را به این واقعیت جلب کند که ما محکوم به مرگ هستیم. این ما هستیم که نیازمندیم و در امواج گناه و مرگ در خطر هستیم. و باید دعا کنیم:

آبهای خروشان جانم را تهدید کرد، ژرفا مرا در میان گرفت؛ خزه‌ها گرد سرم تنید
به بُن کوهها فرو رفتم، و زمین برای همیشه در بندم کشید

اگر همه اینها را درک کردیم، به راز کریسمس نزدیک می شویم. اما آیا این یک تضعیف کننده واقعی برای حال و هوای کریسمس نیست؟ درست مانند شخصی که پرواز خود را به یونان رزرو کرد اما به جای آن به آلاسکا رسید. به جای شادی و آرامش... ما با چیزی خطرناک و تهدید کننده مواجه می شویم. بله، همه آنها در واقعاً روح کریسمس را نشان می دهند. زیرا کریسمس ما نیز دو جنبه دارد: از یک طرف چراغ های درخشان کریسمس گسترده هستند. مردم می خواهند زمان شادی داشته باشند. باید آرامش در خانواده برقرار باشد. در دنیای ما نیز باید صلح و آرامش برقرار شود. غذای ویژه تهیه شده و هدایایی رد و بدل می شود. برخی از آرزوهای کودکان و شاید آرزوهای بزرگسال ها نیز محقق می شوند. مثل همیشه، می دانیم که کریسمس زمینه ای تهدیدآمیز هم دارد. بعضی ها با هم غریبه می شوند. جشن خانوادگی مسخره می شود. و می شنویم که در بعضی کشورها هنوز جنگ است. امروز هم مردم خواهند مرد. حتی امروز مردم این خبر غم انگیز را خواهند شنید که یکی از عزیزان شان در گذشته است. و سپس به مکان دقیقی می رسیم که کریسمس اصلی در آنجا جشن گرفته شد. چوپانان، ستاره شناسان، مریم و یوسف و دیگران با ستایش در مقابل کودک ایستاده بودند. مرگ، خطر و تهدید برایشان شناخته شده بود. اما وقتی در کنار عیسی بودند، می دانستند: «از آن پس همه چیز درست می شود! و خوب خواهد بود چون خدا اینطور خواسته!» نوح چقدر با اطمینان در کشتی خود راه می رفت. و همانطور که مادر موسی فرزندش را با اطمینان در جعبه قرار داد، ما نیز با اطمینان به کودک در آخور نگاه می کنیم و می دانیم: "از طریق او همه چیز خوب خواهد شد. می دانیم که اعتقاد به کودک در آخور چالش بزرگی برای ذهن ماست. همین اتفاق برای مادر موسی افتاده بود که مجبور شد فرزندش را در جعبه ای به نیل ناشناخته بسپرد. هنگامی که فرزندانمان را به غسل تعمید می آوریم با همین چالش روبرو هستیم. از طریق غسل تعمید، فرزندانمان را با ایمان به آب غسل تعمید می اندازیم و دوباره بیرون می کشیم. این کلمات بر اساس فرمان عیسی بیان می شوند: «به نام پدر پسر و روح القدس!» ذهن می پرسد: «آیا آن کار واقعاً کافی است؟ در کریسمس، خدا می خواهد ما را وادار کند که به این عمل بزرگ نجات در زندگی خود گوش دهیم. ما نیز تعمید یافته ایم. و فرقی نمی کند که در زمان بزرگسالی یا کودکی تعمید گرفته باشیم. و مانند موسی از آب هلاکت نجات می یابیم. در زبان عبری، نام موسی به معنای «فردی است که از آب کشیده شده است». از طریق غسل تعمید ما به سمت جعبه موسی و همچنین به سوی آخور عیسی تعمید یافته ایم. و به همین دلیل است که می توانیم صدای آرام خدا را در تمام مراحل زندگی و به ویژه زمانی که همه چیز خراب می شود، تشخیص دهیم. و مطمئناً در موقعیت های مختلف زندگی که در آن قرار داریم، شباهت های زیادی وجود دارد. موسی از رود نیل صید شد تا در خانواده سلطنتی بزرگ شود. ما به عنوان نوزادان و بزرگسالان از میان آب های خطرناک گناه، مرگ و شیطان عبور کردیم. اما خدا را شکر که مجبور نبودیم با چنین دشمنان خطرناکی مبارزه کنیم. خود عیسی همه این کارها را برای ما انجام داد. خود عیسی ما را از طریق غسل تعمید از آبهای خطرناک بیرون آورد. و حالا در خانه ی فرعون بزرگ نمی شویم بلکه در خانه ی پدر که همین پدر عیسی است. ما می توانیم فرزندان خدا باشیم. بنابراین ما می توانیم در جلال او سهیم باشیم. آمین